

درک و تفسیر چگونگی فرایند قربانی شدن از دیدگاه دانشجویان دانشگاه علامه طباطبائی

ستار پروین^۱
بهزاد خدری^۲
قباد کاظمی^۳

تاریخ دریافت مقاله: ۱۳۹۷/۱۲/۱۱
تاریخ پذیرش مقاله: ۱۳۹۸/۳/۷

یکی از مهمترین تهدیدها علیه وجود امنیت در بین اقشار مختلف جامعه، وقوع جرائم در بستر آن جامعه است که به دنبال آن قربانیانی همراه با انواع پیامدهای روانی، اقتصادی و اجتماعی را به بار می‌آورد. این پژوهش تلاش دارد تا به بررسی قربانی شناسی جرائم جوانان در بین دانشجویان با توجه به بسترها و زمینه‌های اجتماعی مسئله بپردازد. بنابراین پژوهش حاضر با هدف درک و تفسیر چگونگی فرایند قربانی شدن از دیدگاه قربانیان صورت می‌گیرد. جامعه آماری تحقیق شامل کلیه دانشجویان مقاطع تحصیلی سه گانه است که در سال تحصیلی ۱۳۹۶-۱۳۹۷ در دانشگاه علامه طباطبائی مشغول به تحصیل بودند. شیوه نمونه‌گیری، هدفمند و حجم نمونه برابر با ۳۰ نفر از دانشجویان بود. روش پژوهش کیفی بود و داده‌های پژوهش با استفاده از مصاحبه نیمه ساخت یافته گردآوری و با تکنیک تحلیل مضمون مورد تحلیل قرار گرفت. نتایج تحقیق نشان داد که قربانی جرم سرقت شدن در میان دانشجویان بیشتر از هرگونه جرم دیگری رواج دارد. همچنین، بیشتر قربانیان در ساعات پایانی روز و شب هنگام، قربانی جرم می‌شوند. بیشتر قربانیان معتقدند که ترجیح می‌دهند به شیوه‌ای شخصی با قضیه برخورد کنند؛ یعنی راهبردهای مواجهه شخصی و حل کردن موضوع را از طریق

۱. دانشیار، گروه مددکاری اجتماعی، دانشکده علوم اجتماعی، دانشگاه علامه طباطبائی، تهران، ایران (نویسنده مسئول)

E-mail: Sparvin1359@gmail.com

۲. دانشجوی دکتری، مددکاری اجتماعی، دانشگاه علامه طباطبائی، تهران، ایران

۳. استادیار، دانشکده حقوق و علوم سیاسی، واحد کرمانشاه، دانشگاه آزاد اسلامی، کرمانشاه، ایران

مهارت‌های حل مسئله فردی بر مواجهه‌های ساختاری و مراجعه به نهادها ترجیح می‌دهند. قربانیان جرم، با سه مرحله تفکر کردن، احساس کردن و تجربه کردن، با اتفاق حادث شده مواجه می‌شوند. همچنین مهمترین پیامدهای تجربه قربانی شدن برای قربانیان شامل انگاره انحطاط هنجارهای اجتماعی، درماندگی روانشناختی، سرزنش خویشتن، مواجهه جنون آمیز، اضمحلال سرمایه و مسائل اقتصادی می‌باشد.

واژگان کلیدی: قربانی شناسی، جرم، راهبرد ها، پیامدها، دانشجویان و دانشگاه علامه طباطبائی



مقدمه

قربانی (بزه دیده) شناسی^۱ شاخه‌ای از جرم‌شناسی است که به طور خاص به مطالعه قربانیان جرم می‌پردازد. جرم‌شناسانی که به بررسی مجرمان می‌پردازند، این سوال را مطرح می‌کنند که کدام عوامل خطر سبب می‌شود تا افراد مرتکب جرم شوند. در عوض جرم‌شناسان حوزه قربانیان جرم می‌پرسند که چرا برخی افراد، خانواده‌ها و گروه‌ها، بیشتر هدف جرائم قرار می‌گیرند. قربانی شدن یک فرایند اتفاقی نیست. قربانی شدن همانند مجرم شدن، فرایندی است که مجموعه‌ای از ویژگی‌های فردی، جمعیتی و محیطی الگو مندی را در بر می‌گیرد (Walsh and Ellis, 2007: 828).

یکی از مهمترین تهدیدها علیه وجود امنیت در بین اقشار مختلف جامعه، وقوع جرائم در بستر آن جامعه است که به دنبال آن قربانیانی همراه با انواع پیامدهای روانی، اقتصادی و اجتماعی را به بار می‌آورد. بر اساس آمار و اطلاعات موجود، روند جرائم در اغلب جوامع رو به رشد است. این روند افزایشی از مکانی به مکانی دیگر بسته به نوع جرم دارای تفاوت‌هایی است و دلایل و انگیزه‌های خاص خود را دارد. وقوع انواع جرم، مشکلات متعددی را در سطح جامعه به وجود می‌آورد و از یک طرف موجب ناامنی، دلهره، هراس و آشفتگی شهروندان می‌گردد و از طرف دیگر، سلامت شهر را به خطر می‌اندازد و موجب می‌شود تا سیستم قضایی و نظامی کشور بودجه‌ای کلان را صرف کشف جرم، تعقیب و دستگیری و نگهداری مجرمان، رسیدگی‌های قضایی و مجازات آنها نماید (زنگی آبادی و رحیمی نادر، ۱۳۹۸؛ نصیری و همکاران، ۱۳۹۶). اما سوال اصلی این است که قربانی شدن دانشجویان چه تاثیری می‌تواند بر زندگی آنها داشته باشد. در بین دانشجویان، تنیدگی‌های دوره تحصیلی، تضادهای قومی و فرهنگی، احساساتی مبنی بر مورد تبعیض سیاسی، عقیدتی، نژادی و جنسیتی قرار گرفتن، وجود دارد. در کشور ما نیز گاه‌گاهی این موارد به صورت حاد درآمده و بر جنبه‌های مختلف زندگی دانشجویان اثر می‌گذارد و سلامتی این قشر را به خطر می‌اندازد و توجهی ویژه را می‌طلبد. از سوی دیگر، با توجه به اینکه دانشجویان در دوره خاصی رشدی و تحول خود هستند و به اصطلاح در دوره «گذار» به سر می‌برند، لذا همواره در معرض تنیدگی هستند و عوامل تنیدگی‌زای بی‌شماری را تجربه می‌کنند که بر ابعاد سلامتی آنها تاثیرگذار است. در یک نگاه دیگر می‌توان گفت که تغییرات مربوط به تحول، انطباق با روش جدید مطالعه و سبک زندگی، جدایی از محیط‌های آشنا و حمایت‌کننده، رفتارهای گروهی و فشارهای ناشی از آن، رویدادهای مختلف کشور و فرهنگ موجود در دانشگاه همگی دست به دست هم داده، می‌توانند دانشجویان را تحت فرسودگی و خستگی جسمانی، روانی و اجتماعی شدید قرار دهند و تمام ابعاد زندگی، از جمله سلامتی آنها را به مخاطره اندازند- که بی‌تردید، مشاوره و مداخله همه جانبه افراد مسئول در حوزه‌های مختلف (مددکاری اجتماعی، روانشناسی و...) را می‌طلبد. حال اگر به همه این موارد تجربه شده، قربانی شدن را بیفزاییم، درک خواهیم نمود که چگونه زندگی و آینده یک دانشجو مورد تهدید قرار می‌گیرد و به عبارتی سرنوشت او عوض خواهد شد. در حوزه جرم‌شناسی جوانان، مسائل مربوط به جرم و وقوع آن بیشتر به سمت چرایی پدیده و مجرمان متمرکز است و کمتر به افراد قربانی پرداخته می‌شود. لذا با توجه به کمبود پژوهش‌ها در این، حوزه، ضرورت انجام چنین پژوهش‌های علمی آشکار می‌گردد.

1. victimlogy

قربانی شدن، احساساتی مانند افسردگی، گناه، خودسرنزنی^۱، خودکارآمدی^۲ و عزت نفس ضعیف را ایجاد می‌کند. مطالعه‌ای در انگلیس که بر روی قربانیان سرقت از منازل انجام شده نشان می‌دهد که ۶۵ درصد قربانیان با خشم، ۳۰ درصد با ترس از قربانی شدن مجدد و ۱۹ درصد با بی‌خوابی و انکس نشان می‌دهند (همان: ۴۳۷). پژوهشی که در مورد قربانیان سو استفاده جنسی انجام شده است نشان می‌دهد که سو استفاده جنسی زودرس در خانه، اثر مستقیم مثبتی بر قربانی شدن زنان در دوره‌های بعدی در خیابان دارد و احتمال آن را افزایش می‌دهد. بعلاوه، آنها را در معرض جرم و مجرم قرار می‌دهد (Tyler and et al, 2000). قربانی شدن، هزینه‌های فردی و اجتماعی زیادی را بر افراد و جامعه تحمیل می‌کند که ضرورت بررسی حاضر را بیش از پیش آشکار می‌سازد؛ از آن جمله می‌توان به موارد زیر اشاره کرد:

۱. هزینه‌های قربانی: هزینه‌های اقتصادی فردی مانند هزینه‌های مراقبت پزشکی، از دست دادن درآمد و خسارت‌های مالی؛
 ۲. هزینه‌های نظام قضایی: مانند هزینه‌های رجوع به کلانتری، دادسرا و دادگاه، گرفتن وکیل و هزینه‌های دادرسی و احتمالاً درج سوء پیشینه قضایی؛
 ۳. هزینه‌های مربوط به دوره زندگی مجرمانه^۳: هزینه‌های فرصت مربوط به انتخاب مجرم برای درگیری در فعالیت‌های غیر قانونی به جای فعالیت‌ها قانونی و مولد، از جمله هزینه‌های مربوط به حمایت از خانواده‌های مجرمان؛
 ۴. هزینه‌های ناملموس^۴: هزینه‌های غیر مستقیمی که قربانیان تجربه می‌کنند و صدمه می‌بینند مانند درد و رنج، کاهش کیفیت زندگی، بیماری‌های روان شناختی (مک کولیستر به نقل از Siegel, 2017: 70). با توجه به پیامدهای ذکر شده، ضرورت بررسی، پیشگیری و درمان مطرح می‌شود که حیطه را برای ورود در مانگرانی همچون روانشناسان، مشاوران و مددکاران اجتماعی فراهم می‌نماید.
- دانشگاه علامه طباطبائی به عنوان یکی از دانشگاه‌های تخصصی کشور هر ساله پذیرای جوانان بسیاری از سرتاسر کشور می‌باشد. در حال حاضر، حدود ۱۷ هزار نفر از جوانان در مقاطع تحصیلی مختلف در این دانشگاه مشغول به تحصیل هستند. کمیت و کیفیت زندگی دانشجویان همواره یکی از دغدغه‌های مسئولان دانشگاه بوده و هست. جرم و انواع آسیب‌های اجتماعی می‌تواند زندگی دانشجویان جوان را با چالش مواجه سازد. جوانان مانند هریک از گروه‌های جامعه، در عین اینکه می‌توانند مرتکب رفتارهای کجروانه گردند، می‌توانند قربانی جرائم نیز بشوند. شواهد نشان می‌دهد که برخی از جوانان بیشتر احتمال دارد که قربانی جرائم مختلف مانند سرقت، انواع خشونت، جرائم سایبری در محیط‌های داخل دانشگاه - مانند خوابگاه- و بیرون آن یعنی محیط‌های شهری قرار گیرند. این پژوهش تلاش دارد تا به بررسی قربانی شناسی جرائم جوانان در بین دانشجویان دانشگاه علامه طباطبائی با توجه به بسترها و زمینه‌های اجتماعی مسئله بپردازد. بنابراین پژوهش حاضر با هدف درک و تفسیر چگونگی فرایند قربانی شدن از دیدگاه قربانیان صورت می‌گیرد. به عبارتی، در پی پاسخ به سئالات زیر است:

1. self-blame
2. self-efficacy
3. crime career
4. intangible

در فرآیند قربانی شدن، قربانیان چگونه این فرآیند را تجربه می‌کنند و مهمترین پیامدها و راهبردهای مواجهه آنها با وضعیت قربانی شدن چگونه است؟

پژوهش فوق در ابتدا به مرور نظری و تجربی حوزه بزه دیده شناسی و روش شناسی پژوهش می‌پردازد. در ادامه نوع و ماهیت جرم، ماهیت قربانیان و مجرمان، نقش آفرینی قربانیان در فرآیند قربانی شدن، فرآیند قربانی شدن برای قربانیان، تجربه کردن پیامد، راهبردهای مواجهه با قربانی شدن، نتیجه‌گیری و پیشنهادات سیاستی مورد کنکاش قرار می‌گیرد.

پیشینه پژوهش

صادقی فسائی و میرحسینی (۱۳۹۰) تحقیقی با عنوان «بررسی عوامل مؤثر بر بزه دیدگی زنان شهر تهران با روش کیفی» از طریق مصاحبه‌های عمیق با ۶۵ زن ۱۹ تا ۶۰ ساله تهرانی انجام داده‌اند. یافته‌های این تحقیق حاکی از آن است که زنان مصاحبه‌شونده عواملی نظیر بی‌احتیاطی زنان، نوع فعالیت‌های روزمره، نوع رفتار و پوشش، خشونت در حوزه خصوصی و عمومی، نابسامانی خانوادگی و ضعف در جامعه‌پذیری، ناکارآمدی یا نبود قوانین حمایتی و اجتماعی، عدم آموزش روش‌های دفاع از خود، درهم‌ریختگی فضای شهری، وجود مکان‌های جرم‌خیز و مخفی نظیر زیرگذرها و معابر تاریک، وجود نابسامانی‌های اجتماعی و اقتصادی نظیر بیکاری و فقر را درکنار ویژگی‌های فیزیولوژیک و زیستی، از جمله مهمترین دلایل بزه دیدگی می‌دانند.

زینالی (۱۳۸۳) در تحقیقی با عنوان «اثرات فقدان حمایت کیفری مناسب از زنان بر بزه دیدگی آنان» نشان می‌دهد که قانونگذار کیفری ایران در قانون مجازات اسلامی نه تنها از یک سیاست کیفری افتراقی (ویژه) برای حمایت از زنان پیروی نکرده است، بلکه با عدول منفی از اصل تساوی افراد در برابر قانون کیفری، از آنها در برابر تعرضات مجرمانه علیه تمامیت جسمانی‌شان، حمایت کمتری نموده است. همین حمایت کیفری کمتر از زنان در برابر تعرضات جسمانی به عنوان عاملی در جهت بالا بودن ضریب و احتمال بزه دیدگی آنها عمل کرده است.

مالجو (۱۳۸۹) پژوهشی با عنوان «تجاوز به محارم: زمینه‌ها، استراتژی‌های متجاوز و واکنش‌های بزه‌دیده» انجام داده است. روش این پژوهش به دلیل تازگی و حساسیت آن، کیفی و از نوع اتنوگرافیک بوده است. داده‌ها با استفاده از مصاحبه عمیق، رجوع به اسناد و مدارک، مشاهده و پرسشنامه جمع‌آوری شده و نمونه‌ای از ۳۹ مورد از زنان و دخترانی که در خانواده تحت تجاوز جنسی پدر یا برادر قرار گرفته‌اند، به روش در دسترس و هدفمند بررسی شده‌اند. نتایج این پژوهش نشان می‌دهد که استراتژی‌های آزارجنسی در چهارگروه قابل طبقه‌بندی است: (۱) استراتژی‌های اجبار و خشونت جسمانی؛ (۲) استراتژی‌های تحریکات عاطفی و ارباب احساسی؛ (۳) استراتژی‌های اقتصادی و (۴) استراتژی‌های فریبکارانه. همچنین بنابر پاسخ‌های مربوطه، چهار واکنش در زنان شناسایی شده‌اند که به ترتیب، سکوت، مقاومت، اعتراض و خروج می‌باشند. هر چقدر زنان آزاردیده برخوردار از شبکه‌های فردی و حمایت‌های اجتماعی باشند، امکان واکنش اعتراض و رفتار فعالانه بیشتر خواهد بود و هر چه این حمایت‌ها کمتر باشد، واکنش‌های منفعلانه، بیشتر است. همچنین نتایج این پژوهش نشان می‌دهد تجاوز جنسی به محارم بیشتر از آنکه مسئله‌ای روانی باشد، مسئله‌ای اجتماعی است و مردسالاری و شکل روابط قدرت در خانواده و همچنین حاکمیت انگاره‌های مالکانه در روابط والدین و فرزندان، از مهمترین

زمینه‌های شکل‌گیری آن است.

جین چوئی و همکاران^۱ (۲۰۱۰) مطالعه‌ای در موسسه «میانجی‌گری^۲ مجرمان با قربانیان» با موضوع قربانی‌شناسی، نیازهای قربانیان و توانمندسازی، در ایالات متحده با روش کیفی و بررسی تجارب زیسته قربانیان (۳۴ مورد مصاحبه عمیق) انجام داده‌اند. نتایج نشان می‌دهد که قربانیان سه نیاز اساسی را مطرح می‌کنند: (۱) در میان گذاشتن تجارب قربانی شدن با دیگران؛ (۲) به دست آوردن اطلاعات بیشتر در باب شیوه‌های تطابق با وضعیت پیش آمده؛ (۳) دریافت کردن یک معذرت خالصانه از مجرم. همچنین قربانیان معتقدند که دو نیاز اول به عنوان یک فعالیت مفید برای فهم آنها از حادثه اتفاق افتاده و در نهایت در فرایند توانمندسازی و تطابق بسیار مفید است.

کی‌وی و همکاران^۳ (۲۰۱۸) در پژوهشی با «عنوان شخصیت و قربانی شدن در ایالات متحده» به علت و چرایی وقوع قربانی شدن می‌پردازند. آنها مدعی‌اند به صورت کلی در گذشته عوامل جمعیت‌شناختی و اقتصادی موجبات قربانی بودن را فراهم می‌کردند، اما نتایج تحقیق آنها نشان می‌دهد که بنیان‌های شخصیتی، نیرو محرکه اصلی قربانی شدن را فراهم می‌آورد. آنها خاطر نشان می‌کنند که باز بودن و برون‌گرایی^۴ امکان قربانی شدن را افزایش می‌دهد و در مقابل، موافقت نمودن در موضوعات مختلف و عدم همراهی و قدرت نه گفتن این امکان را کاهش می‌دهد.

جنیکرکدیلو^۵ در پژوهشی با عنوان «هیچ جایی برای مخفی شدن نیست (قربانی‌شناسی سرقت)» به بررسی اثرات سرقت بر قربانیان آنها پرداخته‌اند. آنها نشان می‌دهند اگر چه در نگاه اول به نظر می‌رسد، سرقت چندان اثری بر قربانی (کسی که اموالش به سرقت رفته) ندارد، اما اثرات جدی و ماندگاری بر روحیه فرد بجا می‌گذارد. نتایج پژوهش آنها که از ۲۶ مورد مصاحبه عمیق برمی‌خیزد، نشان می‌دهد که قربانی سرقت شدن موجب تغییر رویه زندگی شده و همچنین از آن به عنوان یک تروما یاد می‌شود که اثرات اجتماعی و روانی عمیقی بر زندگی فرد بر جای می‌گذارد. همچنین این قربانیان تا مدت‌ها احساس ناامنی نموده، به لحاظ فیزیکی و روانی احساس خطر می‌کنند.

مرول و نیوالا^۶ (۲۰۱۶) در پژوهشی با عنوان «قربانی‌شناسی افراد سالخورده در نواحی شهری لیوبلیانا و اویسلاوی کشور اسلونی» به بررسی تیپولوژی و مقایسه دو منطقه پرداخته‌اند. نتایج این تحقیق نشان می‌دهد که افراد سالخورده در هر دو منطقه بیشتر قربانی جرائم مربوط به مالکیت و سرمایه اقتصادی شده‌اند. همچنین نتایج نشان می‌دهد که شیوع قربانی جرم شدن در منطقه لیوبلیانا در مقایسه با ناحیه اویسلاوا با آزار و اذیت بیشتر، ارباب و تهدید، کلاهبرداری، بیشتری همراه بوده است. همچنین در هر دو ناحیه افراد مسن از جانب غریبه‌ها مورد سوء استفاده و قربانی جرم بوده‌اند. در نهایت، در هر دو منطقه افراد مجرم می‌باشند که به آنها (سالخورده‌گان) حمله کرده‌اند، در رده سنی میانسال بوده‌اند.

همان‌طور که مشخص است در تحقیقات ایرانی شامل صادقی‌فسائی و میرحسینی (۱۳۹۰) و زینالی

1. Jung Jin Choi, Diane L. Green, Stephen A. Kapp
2. Mediating
3. Matthew Cawvey, Matthew Hayes, Damarys Canache, Jeffery J Mondak
4. Openness and Extraversion
5. Jenny Korkodeilou
6. Tinkara Pavšič Mrevlje, Johanna Nivala

(۱۳۸۳) که به صورت محدود در حوزه قربانی شناسی انجام شده‌اند، به بررسی فرایندی قربانی شدن و نقطه شروع آن تا مقصد نهایی پرداخته نشده است. به صورت واضح تر آنچه که مورد کنکاش قرار گرفته است، اغلب با عناوینی تماتیک (مضمومنی) در ذکر پیامدهای قربانی شدن آمده است. اگرچه هدف هر دو تحقیق بررسی چگونگی (آنچه که در یک تحقیق کیفی مورد نظر است) فرایند قربانی شدن است، اما کمتر به ماهیت قربانی شدن، چگونگی آغاز آن، احساسات و تفکرات قربانیان راجع به حادثه اتفاق افتاده شده و چگونگی کنار آمدن شخص قربانی با پدیده قربانی شدن پرداخته شده است که در تحقیق حاضر سعی بر این است که این خلاءها مورد بررسی قرار گیرد. همچنین، در تحقیقات داخلی به این موضوع که شخص قربانی چگونه با پدیده قربانی شدن مواجهه می‌نماید و چه راهبرد هایی برای برخورد با این حادثه به کار می‌برد، اشاره‌ای نشده است. به عبارتی، پدیده قربانی شدن را در حد پیامد باقی گذاشته‌اند و سیر مواجهه و برخورد کنشگران را مورد بررسی قرار نمی‌دهند. برخی تحقیقات مانند مطالعه مالجو (۱۳۸۹) نیز تنها به بررسی چگونگی مواجهه با پدیده قربانی شدن می‌پردازد و از بررسی فرایندی این مسئله پرهیز می‌کند. خلاءهای تحقیقات خارجی را نیز نمی‌توان نادیده گرفت. برای مثال، جین چوئی و همکاران (۲۰۱۰) تنها به نیازهای قربانیان بعد از قربانی شدن می‌پردازند و از بررسی فرایندی قربانی شدن باز می‌مانند. در تحقیقات دیگری مانند مرول و نیوالا (۲۰۱۶) و یا ویلیم دی لینت (۲۰۱۷) تنها به اشاره‌های آماری و شیوع آماری مسئله در این مورد می‌پردازند و از امر تفسیری آن پرهیز می‌کنند- هرچند که ذکر این نکته ضروری است که هدف تحقیقات آنها بررسی کیفی مسئله حاضر نیست. لذا با طرح مشکلات و خلاءهای پژوهشی موجود و همچنین کمبود تحقیقات کیفی در این زمینه، تحقیق حاضر یک گام فراتر بر داشته و با هدف کشف روند و چگونگی قربانی شدن، به انجام رسیده است.

مرور ادبیات و چارچوب نظری

برای سال‌ها تبیین رفتار مجرمانه و تاکید بر عنصر مجرم بر جرم شناسی حاکم بود، اما صاحب نظرانی مانند استفان شافر^۱ و هانس وان هنتینگ^۲ نشان دادند که قربانی (بزه دیده) در جرم ارتكابی مجرمان، عنصری منفعل نیست، لذا در تئوری‌های جدید به جای تاکید صرف بر مجرم- بدون نادیده گرفتن اهمیت آن- بر عنصر قربانی شدن و نقش او در فرایند جرم تاکید بیشتری شده است.

امروزه نظریه‌های مختلفی تلاش دارند تا به تبیین قربانی شدن بپردازند که مهمترین آنها عبارت‌اند از: نظریه نقش آفرینی [یا اشتابزدگی] قربانی^۳، نظریه سبک زندگی^۴ فعالیت‌های روزمره^۵ و نظریه مکان انحرافی^۶ که در ادامه به بررسی آنها پرداخته می‌شود.

نقش آفرینی بزه‌دیده در رخ دادن جرم

این باور که باید در تحلیل جرم به سهم بزه‌دیدگان در رخ دادن جرم توجه داشت، از روش‌های پیشینه‌دار سرچشمه گرفته از جرم‌شناسی است. هانسفون هنتینگ^۷ نخستین بار به این موضوع که بزه‌دیدگان اغلب زمینه

1. Stephen Schafer

2. Hans Van Henting

3. victim precipitation theory

4. lifesyle theory

5. routine activities theory

6. Deviant place

7. Hans Von Hentig

بزه‌دیدگی خود را فراهم می‌آورند، در دهه ۱۹۴۰ میلادی توجه نشان داد. او بر این نکته تأکید داشت که رفتار تحریک‌آمیز افراد می‌تواند به بزه‌دیدگی آنان بینجامد. دسته‌بندی وی از بزه‌دیدگان همچنین بر این نکته تأکید داشت که نقش آفرینی بزه‌دیده در رخ دادن جرم، می‌تواند ناشی از ویژگی‌ها یا عوامل اجتماعی خارج از کنترل وی باشد. برخی از گونه‌های بزه‌دیدگان در دسته‌بندی وی شامل زنان، سالمندان، ناتوانان ذهنی، مهاجران و افراد حریص^۱ هستند. بسیاری از این دسته‌بندی‌ها، نشان‌دهنده ناتوانی بزه‌دیدگان بالقوه در زمینه ایستادگی در برابر مجرمان با توجه به وضعیت اجتماعی، فیزیکی و روانی آن‌هاست. اهمیت دسته‌بندی فوننتینگ این است که شخصیت یا موقعیت اجتماعی بزه‌دیدگان می‌تواند منفعلاً بر بزه‌دیدگی آنان اثرگذار باشد.

سپس بنیامین مندلسون^۲ با تأکید بر اندازه نقش بزه‌دیده، این مفهوم را گسترش داد. محور طبقه‌بندی، مشارکت فعال بزه‌دیده در رخ دادن جرم، یعنی رفتارها و اقداماتی بود که در بزه‌دیدگی وی نقش داشته‌اند.

بر اساس این رویکرد نظری، برخی افراد به شکل واقعی ممکن است آغازگر مواجهه‌ای باشند که در نهایت منجر به صدمه و یا مرگ آنها می‌شود. مشارکت قربانی می‌تواند فعالانه^۳ و یا منفعل^۴ باشد. نقش آفرینی فعالانه زمانی اتفاق می‌افتد که قربانیان به شکل تحریک‌آمیزی رفتار می‌کنند، از تهدید و یا کلمات تهدیدآمیز استفاده می‌نمایند و یا حتی حمله را آغاز می‌کنند. نقش آفرینی منفعلاً، زمانی است که قربانی برخی از ویژگی‌های شخصی را به نمایش می‌گذارد که نادانسته هم تهدیدآمیز است و هم حمله‌کننده را تحریک می‌کنند. بعلاوه ممکن است زمانی حادث شود که قربانی به گروهی تعلق دارد که حضور صرف آنها رفاه اقتصادی، منزلت و وجهه حمله‌کننده را تهدید می‌کند. پژوهش‌ها نشان می‌دهد که نقش آفرینی منفعلاً با قدرت ارتباط دارد. اگر گروه هدف بتواند خودشان را در جامعه قدرت سیاسی و اقتصادی تقویت کنند، آسیب‌پذیری آنها کاهش می‌یابد. (Siegel, 2017: 97)

نظریه سبک زندگی و فعالیت روزمره

اگرچه هدف این دو نظریه به طور بنیادی متفاوت است، چشم‌انداز آن‌ها تقریباً با یکدیگر درآمیخته است. در واقع، هر نظریه به مدت چندین دهه برای پاسخ‌گویی به پرسش‌های مطرح شده توسط دیگری، به کار گرفته شده است. علاوه بر این، هر دو نظریه بر روشنگری بزه‌دیدگی از جرائم تهاجمی و رودرو مانند سرقت همراه با آزار، تجاوز جنسی، قتل، تهاجم مشدد، زورگیری و سرقت متمرکز هستند. از این رو، بیش‌تر پژوهشگران بر این باورند که تفاوت میان این دو نظریه بیش از آن که ماهوی باشد، لفظی است.

نظریه‌های سبک زندگی و فعالیت روزمره، هر دو منعکس‌کننده این دیدگاه هستند که بزه‌دیده می‌تواند در بزه‌دیدگی خود نقش داشته باشد، اما به جای تأکید بر تحریک فعال که در مطالعات اولیه درباره نقش بزه‌دیده در رخ دادن جرم مطرح بود، این نظریه‌ها میان سبک زندگی یا فعالیت‌های روزمره اشخاص و گروه‌ها از یک سو و نرخ بزه‌دیدگی آن‌ها از سوی دیگر، ارتباط برقرار می‌کنند. فعالیت روزمره اشخاص و گروه‌ها، به نوبه خود به وسیله فرصت‌ها و محدودیت‌های ساختاری و چشم‌داشت‌های فرهنگی شکل داده می‌شوند. اگرچه نظریه‌های سبک زندگی و فعالیت روزمره به جای یکدیگر نیز به کار گرفته می‌شوند، اما در این مدخل هر یک

1. Acquisitive
2. Benjamin Mendelsohn
3. active
4. passive

را جداگانه مطرح می‌کنیم.

نظریه سبک زندگی - مجاورت^۱ به این نکته اشاره می‌کند که وضعیت افراد مانند سن، نژاد، مجرد یا متأهل بودن، جنسیت و میزان درآمد آن‌ها، از راه شکل دادن به سبک زندگی آن‌ها بر نرخ بزه‌دیدگی آن‌ها تأثیر می‌گذارد. افراد ممکن است به این دلیل قربانی جرم شوند که سبک زندگی ریسکی آنها، در معرض بودن آنها را در مقابل مجرمان افزایش می‌دهد. خطر قربانی شدن از طریق رفتارهایی مانند معاشرت با مردان جوان، بیرون بودن در مکان‌های عمومی تا پاسی از شب و زندگی در یک منطقه شهری افزایش می‌یابد. بر عکس، احتمال قربانی شدن می‌تواند از طریق ماندن در خانه در شب، رفتن به یک منطقه روستایی، دور بودن از مکان‌های عمومی، به دست آوردن درآمد بیشتر و ازدواج کردن کاهش یابد. مبانی این نظریه، این است که قربانی شدن به جای اینکه یک پیشامد تصادفی باشد، نتیجه سبک زندگی قربانی است. افراد عضو گروه‌هایی که زندگی بسیار پر مخاطره‌ای دارند مانند بی‌خانمان‌ها، فراریان و مصرف‌کنندگان مواد مخدر از ریسک بالایی برای قربانی شدن برخوردارند: هر چه بیشتر در معرض زندگی خیابانی باشند، بیشتر این احتمال وجود دارد که به قربانیان جرائم تبدیل شوند (Siegel, 2017: 97).

کوهن و فلسون نظریه فعالیت‌های روزمره را در سال ۱۹۷۹ مطرح نموده‌اند. این اصطلاح شامل همه فعالیت‌های بازگشت‌کننده و متداول است که برای نیازهای پایه‌ای فردی و جمعیتی صورت می‌گیرد (بزرگوار و تمجیدی، ۱۳۹۶: ۸۶). نظریه فعالیت روزمره مانند نظریه سبک زندگی بر فعالیت‌های روزمره و انتظارهای فرهنگی و ساختارهای اجتماعی که آن‌ها را شکل می‌دهند، تمرکز دارد، اما تمرکز اصلی این نظریه، بر شفاف‌سازی روند کلی بزه‌دیدگی است. این نظریه بر این نکته اشاره می‌کند که یکی از دلایل اصلی تغییر در روند بزه‌دیدگی، تغییر ساختارهای اجتماعی و انتظارهای فرهنگی است که فعالیت روزمره افراد را شکل می‌دهند. کوهن و فلسون اشاره کردند که تغییر در فرهنگ و ساختارهای اجتماعی که کیفیت زندگی گروه‌های گوناگونی از افراد را بهبود بخشیده، در عین حال باعث افزایش نرخ بزه‌دیدگی آن‌ها نیز شده است. برای مثال، این احتمال وجود دارد که زنان و یا دارایی‌شان در نبود مراقبان توانمند، در ارتباط مستقیم با بزه‌کاران روند قربانی شدن را افزایش دهد.

این بحث، عوامل بزه‌دیدگی را بر اساس نظریه فعالیت روزمره مورد توجه دقیق‌تر قرار می‌دهد. این عوامل عبارت‌اند از: الف) بزه‌کار بانگیزه؛ ب) بزه‌دیده/هدف مناسب و پ) نبود مراقب توانمند برای پیش‌گیری از رخ دادن جرم. آن‌گاه که این سه عامل در یک زمان و مکان وجود داشته باشند، احتمال دارد که جرم ارتکاب یابد. پس، خطر بزه‌دیدگی برای افراد یا گروه‌هایی که بدون مراقب هستند و فعالیت‌های روزمره‌شان آنان را در روبه‌رو شدن با بزه‌کاران بانگیزه قرار می‌دهد، بیش‌تر است.

بزه‌کاران بانگیزه، در نظریه فعالیت روزمره به کسی گفته می‌شود که به هر دلیل ممکن است مرتکب جرم شود. این تعریف تا اندازه‌ای مبهم است، زیرا نظریه فعالیت روزمره وجود بزه‌کاران بانگیزه را فرض می‌انگارد و هیچ اظهارنظر مشخصی درباره انگیزه‌های ارتکاب جرم نمی‌کند؛ اما این رویکرد به شکل ضمنی می‌پذیرد که بزه‌کاران، کنش‌گرانی خردمند هستند که می‌کوشند تا سود خود را حداکثر و رنج خود را حداقل سازند. به هر رو، این انگاره وجود دارد که فرآیند گزینش بزه‌دیده، تصمیم‌گیری خردمندانه‌ای برای آماج قراردادن هدف

است. این نظریه فرض را بر این می‌گذارد که بزه‌کار با انگیزه همیشه وجود دارد و تمرکز خود را بر آماج مناسب و مراقبت از آن می‌گذارد.

نظریه مکان‌های انحرافی (بی‌سازمانی اجتماعی)

بر اساس این نظریه، به هر میزان افراد بیشتر در مکان‌های خطرناک حضور داشته باشند، به همان میزان احتمال اینکه قربانی جرم و خشونت قرار گیرند، افزایش می‌یابد. قربانیان به این دلیل مستعد قربانی شدن هستند که در نواحی جرم خیزی که با بی‌سازمانی اجتماعی مواجه‌اند، سکونت دارند. مکان‌های انحرافی، محلات فقیر و با تراکم جمعیتی زیاد و تحرک بالا هستند که در آن، اموال مسکونی تجاری دوشادوش هم قرار دارند. اموال تجاری برای مجرمان، اهداف مناسبی را برای سرعت فراهم می‌کند (Siegel, 2017: 81) ساکنان محلات فقیرنشین بیشتر احتمال دارد تا در خطر قربانی شدن باشند، زیرا آنها در جوار مجرمان با انگیزه زندگی می‌کنند. بی‌سازمانی اجتماعی به افزایش مکان‌های انحرافی و بی‌نظمی محلات شهری دامن می‌زند. بر اساس نظریه پنجره شکسته، محلات بی‌سازمان با وضعیت بی‌نظمی در سطح محله مواجه‌اند که پیامد آن، افزایش مکان‌های انحرافی و مکان‌های داغ و در نهایت بروز جرم و افزایش قربانیان جرائم شهری است (نک ۲۰۱۴، Maskaly and Bogges).

نگاه نظری پژوهش مبتنی بر نظریه سبک زندگی و فعالیت روزمره است. بر اساس این نظریه، می‌توان گفت که جوانان به دلیل ویژگی‌های جوانی و جوان بودن و همچنین فعالیت‌های روزمره‌ای که دارند می‌توانند جزو گروه‌هایی باشند که بیشتر در معرض خطر قربانی شدن قرار دارند. از طرف دیگر، در بین جوانان تفاوت‌هایی نیز مشاهده می‌شود که از آن میان می‌توان به تفاوت‌های جنسیتی، سنی، قومیتی، مقاطع تحصیلی و نیز رشته‌های تحصیلی اشاره کرد که خود می‌تواند زمینه‌ساز و یا مانع قربانی شدن آنان شود.

روش‌شناسی پژوهش

این مطالعه با رویکرد کیفی انجام شده است. پژوهشگران کیفی در پی کشف، توصیف و درک (تفاهم) ماهیت پیچیده تجربیات انسان با رویکرد طبیعت‌گرا هستند. جامعه آماری شامل کلیه دانشجویان شاغل به تحصیل در مقاطع کارشناسی، کارشناسی ارشد و دکتری در دانشگاه علامه طباطبائی در سال ۱۳۹۷ می‌باشد که دارای تجربه قربانی شدن در یک سال گذشته بوده‌اند. روش اصلی گردآوری داده‌ها در این پژوهش، مصاحبه‌های عمیق نیمه ساخت یافته می‌باشد. پژوهشگر با برقراری ارتباط و جلب اعتماد مصاحبه‌شونده -ضمن رعایت ملاحظات اخلاقی- با استفاده از گوشی موبایل به ضبط حجم زیادی از داده‌ها پرداخته است. همچنین، در موارد مورد نیاز از گفتگوها یادداشت برداری نیز کرده است. نمونه‌گیری در این پژوهش هدفمند بود و معیارهای پذیرش در نمونه عبارت بودند از: دانشجوی و در حال تحصیل بودن، همچنین دانشجوی دانشگاه علامه طباطبائی بودن و قربانی جرم شدن در یک سال اخیر. مصاحبه با افراد مصاحبه‌شونده در دانشکده‌ها و خوابگاه‌های دانشگاه علامه طباطبائی صورت پذیرفته است. در پژوهش‌های کیفی، تعداد افراد نمونه را با معیار اشباع نظری تعیین می‌کنند؛ بدین معنا که گردآوری اطلاعات را باید تا زمانی ادامه داد که افزایش اطلاعات، مفاهیم، مقولات و خرده‌مقولات، تنوع جدیدی را به بطن تحقیق عرضه نکند. در این تحقیق حجم نمونه برابر با ۳۰ نفر می‌باشد. برای تحلیل یافته‌ها، از روش تجزیه و تحلیل مضمون (تم) استفاده شد.

فراگرد تحلیل تم زمانی شروع می شود که تحلیل گر الگوهای معنی و موضوعاتی که جذابیت بالقوه دارند را مورد نظر قرار می دهد. این تحلیل شامل یک رفت و برگشت مستمر بین مجموعه داده ها و خلاصه های کدگذاری شده و تحلیل داده هایی است که به وجود می آیند. فرایند این تحقیق بدین صورت بود: آشنایی با داده ها، ایجاد کدهای اولیه، جستجوی تم ها، بازبینی تم ها، تعریف و نام گذاری تم ها و تهیه گزارش. جهت تضمین اعتبار و پایایی یافته های پژوهش، نتایج به دو تن از اساتید مسلط به حوزه جرم شناسی واگذار شد و مورد بازبینی قرار گرفت.

یافته های پژوهش

نوع و ماهیت جرم

افرادی که مورد آزار و قربانی شدن قرار گرفته بودند، به ترتیب فراوانی در ماهیت و نوع جرم مطابق جدول زیر طبقه بندی شدند. همان گونه که جدول نشان می دهد، از کل قربانیان مورد مطالعه در این پژوهش، تعداد ۸ نفر مورد قربانی سرقت موبایل و ۵ نفر قربانی سرقت کیف پول شده اند. همچنین تعداد ۴ نفر، قربانی سرقت کیف زنانه و ۳ نفر نیز قربانی خشونت جنسی گفتاری قرار گرفته اند. همچنین، تعداد ۳ نفر قربانی سرقت لب تاپ، ۳ نفر قربانی سرقت خودروی شخصی و در نهایت ۴ نفر قربانی سرقت وسایل شخصی و چمدان در ترمینال بوده اند.

جدول ۱: نوع بزه دیدگی قربانیان

ردیف	نوع جرم	فراوانی
۱	سرقت موبایل	۸
۲	سرقت کیف پول	۵
۳	سرقت کیف زنانه	۴
۴	خشونت جنسی گفتاری	۳
۵	سرقت اتومبیل	۳
۶	سرقت لب تاپ	۳
۷	سرقت چمدان و وسایل شخصی	۴
	جمع	۳۰

در مورد زمان جرم صورت گرفته باید اظهار داشت که ۳ مورد از جرم های صورت گرفته در ساعات اولیه صبح، ۸ مورد بعد از ظهر، ۱۷ مورد در شب یعنی از ساعات ۱۸ غروب تا ۱۲ شب و ۲ مورد از ساعات ۱ بامداد تا ۶ صبح روز بعد صورت گرفته است که دو مورد آخری در پایانه مسافری، یعنی در ساعاتی که نظارت و کنترل کمتری صورت می گیرد، به وقوع پیوسته است.

در مورد مکان هایی که افراد بزه دیده، قربانی جرم شده اند، باید گفت که ۶ مورد در پارک ها، ۱۴ مورد در

خیابان، ۱ مورد در دانشگاه، ۷ جرم در مترو و ۲ مورد در پایانه مسافربری حادث شده است.

جدول ۲: زمان و مکان جرم حادث شده

ردیف	زمان جرم	فراوانی	مکان جرم	فراوانی
۱	صبح (ساعت ۶ الی ۱۲)	۳	پارک	۶
۲	بعد از ظهر (ساعت ۱۲ الی ۱۸)	۸	خیابان	۱۴
۳	شب (ساعت ۱۸ الی ۲۴)	۱۷	دانشگاه	۱
۴	بامداد (ساعت ۱ بامداد الی ۶ صبح)	۲	مترو	۷
۵	جمع	۳۰	ترمینال	۲
			جمع	۳۰

ویژگی‌های عمومی و ماهیت قربانیان و مجرمان: متغیر

در مورد ماهیت قربانیان و مجرمان باید اظهار داشت که قریب به اکثریت مجرمانی که اقدام به جرم نموده‌اند، با فرد قربانی رابطه‌آشنایی نداشته‌اند و افراد قربانی توسط غریبه‌ها مورد سوء استفاده و قربانی واقع شده‌اند. جدول زیر، مشخصات دموگرافیک و همچنین ماهیت مجرمان را توصیف نموده است:

جدول ۳: جنس، سن و سابقه آشنایی مجرمان

ردیف	فراوانی	جنس مجرم		سابقه آشنایی مجرم با قربانی			سن مجرم	
		مونث	مذکر	بدون سابقه آشنایی	دارای سابقه آشنایی	جوان	میانسال	سالخورده
۱	فراوانی	۲	۲۸	۲۸	۲	۲۰	۸	۲
۲	جمع	۳۰		۳۰			۳۰	

از آنجا که افراد مشارکت کننده در تحقیق در مورد سن مجرمان اطمینان کاملی نداشتند و مجرم پس از ارتکاب جرم از محل جرم متواری شده است، سن مجرمان بر حسب تخمین پاسخگویان در سه دسته قرار داده شده است: تعداد ۲۰ مورد جرم توسط افراد جوان، تعداد ۸ مورد توسط افراد میانسال و تنها ۲ مورد توسط افراد سن بالا (بنا به توصیف قربانیان، تقریباً پیرمرد) صورت گرفته است. همچنین قریب به اکثریت یعنی ۲۸ نفر توسط مردان قربانی جرم شده و تنها دو مورد توسط جنس مونث مورد سوء استفاده و سرقت قرار گرفته بودند که تنها همین دو مورد نیز سابقه آشنایی با قربانی داشتند (سرقت در خوابگاه دخترانه). در ادامه وضعیت قربانیان بر حسب جنس و تحصیلات آنان در جدول زیر آمده است:

جدول ۴: جنس، سن و تحصیلات قربانیان

ردیف	فراوانی	جنس قربانی		تحصیلات قربانی			سن قربانی		
		مونث	مذکر	کارشناسی	کارشناسی ارشد	دکتری	۱۸-۲۱	۲۲-۲۵	۲۶-۲۹
۱	فراوانی	۱۹	۱۱	۱۷	۹	۴	۱۹	۱۰	۱
۲	جمع	۳۰	۳۰	۳۰	۳۰	۳۰	۳۰	۳۰	۳۰

همان طور که در جدول ۴ مشاهده می شود از کل مشارکت کنندگان تحقیق ۱۹ نفر مونث و ۱۱ مذکر بوده اند. همچنین ۱۷ نفر از قربانیان دارای تحصیلات کارشناسی، ۹ نفر کارشناسی ارشد و ۴ نفر دارای تحصیلات دکتری بوده اند. همچنین، ۱۹ نفر در سن ۱۸ تا ۲۱ سالگی، ۱۰ نفر در فاصله سنی ۲۲ تا ۲۵ و یک نفر نیز در فاصله سنی ۲۶ الی ۲۹ سال قرار داشتند. بعلاوه، پاسخگویان در دانشکده های علوم اجتماعی، مدیریت و حسابداری، روانشناسی و حقوق و علوم سیاسی مشغول به تحصیل بوده اند.

نقش آفرینی قربانیان در فرآیند قربانی شدن

نتایج و مضامین برگرفته از مصاحبه با قربانیان نشان می دهد که در فرآیند قربانی شدن، زنان بیشتر از مردان احساس گناه ناشی از مشارکت در قربانی شدن را تجربه می کنند؛ یعنی زنان رفتارهایی همچون: غفلت، بی دقتی، بی مبالاتی و سهل انگاری از خود نشان داده اند که روند قربانی شدن را تسهیل نموده است. در برخی مواقع نیز زنان به علت ترس از اتفاق بدتری که شاید در انتظارشان باشد و یا اینکه آسیب جسمانی و فیزیکی بیشتری ببینند، از نشان دادن مقاومت پرهیز نموده و ارزش و سیله یا اشیا را کمتر از جان و آبروی خود ارزیابی نموده اند. برای مثال، قربانی مونث ۲۱ ساله در حادثه دزدیده شدن موبایلش می گوید:

«همش تقصیر بی عرضگی خودمه، اگر خودم یه ذره هوشیار بودم این اتفاق نمی افتاد...»

یا اینکه قربانی دیگر، ۲۴ ساله در دزدیده شدن لب تاپش معتقد است:

«البته ارزش نداشت مقاومت کنم. دیدم نصف شبه و فقط بهتره که برن و بلای بدتری سرم نیاد...»

در این پژوهش مشاهده شد که به هر میزان افراد بیشتر در مکان های خطرناک حضور داشته باشند، به همان میزان احتمال اینکه قربانی جرم و خشونت قرار گیرند، افزایش می یابد. قربانیان به این دلیل مستعد قربانی شدن هستند که در نواحی جرم خیزی که با بی سازمانی اجتماعی مواجه اند، سکونت دارند. در تحقیق حاضر، قرار گرفتن در محیط و مکان نامناسب، زمان نامناسب، فقدان نظارت و امنیت در محلاتی که شرایط ارتکاب جرم راحت تر است، عاملی در جهت تسهیل قربانی شدن بوده است. برای مثال، افرادی که در این تحقیق، در ساعات بامداد و پایانی شب در پایانه های مسافربری مورد سوء استفاده قرار گرفته اند، اظهار می دارند که پلیس ترینال در جایگاه پست و نگهبانی حضور نداشته و متاسفانه خواب بوده است. لذا می توان دریافت که مجرمین نیز با علم به اینگونه موارد، شرایط آسان تر را برای ارتکاب جرم برمی گزینند. همچنین، افزایش ارتکاب جرم علیه بزه دیدگان در ساعات ۱۸ الی ۲۴ (فراوانی ۱۴ مورد) در این تحقیق، خود گواهی بر این ادعاست که فقدان نظارت و کنترل، دیده نشدن و سهولت در فرار بعد از ارتکاب جرم، از عواملی هستند که در بزه دیدگی و قربانی شدن قربانیان و ارتکاب جرم تاثیرگذار است.

فرآیند قربانی شدن برای قربانیان

با توجه به مصاحبه‌های انجام شده با قربانیان، آنها به ترتیب سه مرحله را در فرآیند قربانی شدن طی کرده‌اند که به لحاظ تفسیری در این تحقیق، این سه مرحله به ترتیب زیر نامگذاری شده است: تفکر کردن، احساس کردن و تجربه پیامد. نکته قابل توجه آن که این سه مرحله با رعایت تقدم و تاخر (یکی پس دیگری) روی می‌دهد. در مرحله نخست، فرد اقدام به فکر کردن راجع به اتفاق رخ داده می‌نماید و جنایتی که برای او رخ داده تفسیر می‌کند. در مرحله دوم، فرد شروع به بروز احساسات خود می‌کند و آنچه را که اتفاق افتاده به صورت ذهنی و روانی از طریق مکانیسم‌های روانی و احساسی بروز می‌دهد و حالت تدافعی و غم و اندوه به خود می‌گیرد. در نهایت فرد با پیامدهای قربانی شدن رو به رو می‌گردد که یک مرحله عینی است و قربانی با پیامدهای عینی در زندگی مواجه می‌شود.



شکل ۱: مراحل بعد از قربانی شدن از نظر قربانیان

تفکر کردن

طبق اظهارات مشارکت کنندگان تحقیق، در این مرحله قربانیان راجع به حادثه اتفاق افتاده درگیری فکری پیدا می کنند و بیشترین افکار آنها مربوط به چگونگی اتفاق و اقدامات جزئی آن می باشد. در این مرحله، قربانیان مکرراً حادثه را برای خود مرور و بیشترین درگیری ذهنی را با خود دارد. در واقع، بیشتر قربانیان اظهار می داشتند که حسرت کارهایی که می توانستند انجام بدهند را می خوردند و اینکه چرا به صورت مناسبی که می توانستند از حادثه قربانی شدن پیشگیری نکرده اند. آنها اغلب خود را با پرسش های زیر مورد بازخواست قرار می دهند: چرا این اتفاق برای من افتاده است؟ چرا باید من در آن لحظه آنجا باشم؟ چی می شد اگر این گونه می شد...؟ اگر اینکار را می کردم و... .

برای مثال، یکی از قربانیان ۲۴ ساله (مونث) می گوید:

« اگر آن زمان من قصد رفتن به منزل را نداشتم و شب را در منزل دوستم سپری می کردم، دیگر امکان این اتفاق (سرقت وسایل و کیف) پیش نمی آمد...»
یا اینکه قربانی دیگر ۲۹ ساله (مذکر) می گوید:
« من نمی فهمم چرا صاف باید طرف بیاد و تو اون ساعت روز خفت منو بگیره. بارها به خودم بعدش گفتم کاش قلم پام می شکست و نمی رفتم تو اون ساعت...»

احساس کردن

قربانی شدن می تواند اثرات جدی روانی و اجتماعی را به بار بیاورد و نخست افراد این پیامدها را از طریق احساسات، بعد از تفکر در باب حادثه تجربه می کنند. مصاحبه های صورت گرفته نشان می دهد که قربانیان احساسات مختلفی را در جریان قربانی شدن بروز داده اند. برخی از افراد احساسات شدید شامل ترس، عصبانیت و نارضایتی را از خود نشان داده اند و احساس اضطراب، آسیب پذیری و احساس بی حرمتی هم در بسیاری از گفته های قربانیان مشاهده می شد. برخی دیگر از قربانیان احساس شرم و خجالت راجع به جزئیات حادثه داشتند و از اینکه نتوانسته بودند مقاومت و پیشگیری کنند، بسیار آزرده خاطر بودند. احساس تنهایی، احساس عدم توانایی ارتباط بعد از قربانی شدن و شکسته شدن روابط، از دیگر احساسات ناخوشایندی بود که قربانیان تجربه آن را داشتند. در نهایت بسیاری از قربانیان احساس تفرق و از هم گسیختگی ذهنی و عدم تمرکز بر امور فکری را تجربه کرده بودند و به کرات اظهار نموده اند که در روزهای نخست تجربه قربانی شدن از اینکه بتوانند به مسائل دیگری همچون امور تحصیلی و امور شغلی بپردازند، عاجز بوده اند.

تجربه کردن پیامد

در ادامه به طور مفصل به بیان پیامدهای ناشی از قربانی شدن بر فرد می پردازیم.

پیامدهای فیزیکی

اثرات فیزیکی قربانی شدن در این تحقیق طیف وسیعی را شامل می شد. در برخی از قربانیان سرقت به علت مقاومت، اثرات خراش، بریدگی و شکستن بینی مشاهده می شد. نکته قابل تامل در این بعد از پیامدها، عدم مشارکت فرد به آسیب دیدگی در امور روزانه و فعالیت های روزمره بود. برای مثال، قربانی که بینی اش به دلیل مقاومت در برابر سرقت آسیب دیده بود، اظهار می دارد:

« خدا خیرش نده باعث که من تا به ماه بیرون نرم، حتی تو آینه نگاه می کردم خودم رو سرزنش می کردم که چرا من؟ »

بخش دیگری از پیامدهای فیزیکی که افراد قربانی تجربه کرده بودند شامل اختلالاتی جسمانی برآمده از اختلالات روانی بود. برای مثال، سردردهای جسمانی، تغییر در اشتهای خوردن و آسیب های ناشی از آثار قابل مشاهده (مانند سرزنش کردن خود در مقابل آینه، تخریب روحیه به علت آسیب فیزیکی) که قربانیان اظهار می کردند ناشی از اثرات روانی فرایند قربانی شدن بوده که به صورت جسمانی بروز پیدا می کرده است.

پیامدهای روانشناختی

عدم تمرکز در انجام وظایف و مسئولیت ها، کابوس و خاطره بد، سوگ، سوء ظن، افسردگی، اختلال استرس پس از حادثه، نگرانی دائمی راجع به امنیت شخصی، درماندگی و ناتوانی و سرزنش و مواخذه خود، از مهمترین پیامدهای روانشناختی بودند که قربانیان با آن روبه رو بودند. ، مضامین زیر از دیگر پیامدهای قربانی شدن بود که از مصاحبه با قربانیان استخراج گردید:

درماندگی روانشناختی

قربانیان در بیان پیامدهای اتفاق حادث شده احساسات خود را منفی توصیف می کردند و اکثریت احساس نامطلوب و ناخوشایندی را تجربه کرده بودند. برای مثال، در نخستین مراحل قربانی شدن، اشخاصی که مورد سواستفاده قرار گرفته بود احساس مسخ شخصیت و واماندگی داشتند؛ یعنی نسبت به اتفاق حادث شده درک درستی نداشتند و واکنش مناسب را تشخیص نمی دادند و در مورد اقدام مقتضی و چگونگی مواجهه با قربانی شدن، برداشت صحیحی نداشتند. برای مثال، قربانی مذکر ۲۰ ساله می گوید:

«موقعی که گویشیم رو دزدیدند، اصلا نفهمیدم چیکار باید بکنم و خیلی سریع اتفاق افتاد و برام قابل باور نبود. آدم های دور و ورم رو نگاه می کردم و بهشون توجهی نداشتیم. بعد که رفتم خونه، خانوادم گفتن چرا شکایت نکردی و اون موقع بود که فهمیدم باید چیکار می کردم...»

در این وجه روانشناختی، پس از گذشت مدت زمان ۱ الی ۳ روز افراد به لحاظ احساسی دچار افسردگی و اضطراب می شدند. این افسردگی و اضطراب ناشی از فقدان وسیله (موبایل، لب تاب...) برای پیشبرد امور روزانه و امور دانشگاهی بود؛ یعنی افراد از اینکه ابزار لازم را برای انجام تکالیف و مسئولیت هایشان نداشتند، به شدت دچار احساس ناامیدی می شدند و مدتی را در حالت ناامیدی و ناراحتی عمیق سپری می کردند. برای مثال، قربانی دیگری می گوید:

«واقعا خسته شده بودم و به شدت ناراحت و کلافه بودم. نمی تونستم تحقیقات کلاسیم رو پیش ببرم و از طرفی بدجور ناراحت بودم که به این زودی نمی تونستم دوباره لب تاب بگیرم. فکر کنم قریب به یه ماهی اعصاب نداشتیم و از همه چی خسته شده بودم...»

بسیاری از قربانیان، افسردگی خود را به مسائل اقتصادی و مسائل اجتماعی مرتبط می دانستند. در وجه اقتصادی آنان اظهار می داشتند که به علت فقدان توان اقتصادی و از دست دادن قسمتی از سرمایه خود ابراز ناراحتی و افسوس می کردند و از طرفی دیگر، برای وضعیت پایین امنیت اجتماعی و نبود ارزش های اخلاقی در جامعه اسلامی ابراز تاسف و ناراحتی می نمودند. برای مثال، یکی از قربانیان می گوید:

«خیلی ناراحت بودم از اینکه پول زیادی رو از دست داده بودم. به هر حال اون مبلغ پول تو جیبی کل ماه بود

که بابام دیشبش به من داده بود. خدا رو شکر بابام خیلی حمایت کرد هم اقتصادی و هم روانی، ولی به هر حال حس بدی نسبت به موقعیت پیش اومده داشتم...»

یا شخص دیگری می گوید:

«خیلی ناراحت بودم که ازم دزدی شده، ولی از طرفی ناراحت بودم و برای این جامعه احساس تاسف و ناراحتی می کنم که با انواع شعار و ادعا هنوز آمار این اتفاقات تو کشور آنقدر بالاست...»

سرزنش خویشن

قریب به اکثریت مشارکت کنندگان تحقیق بعد از قربانی شدن، احساسات ناخوشایندی را راجع به خود و شایستگی های خود داشتند و با الفاظ مختلفی راجع به خود اظهار نظرات منفی را بیان می نمودند و در این اتفاق خود را مقصر اصلی می دانستند، زیرا معتقد بودند که می توانستند از قربانی شدن پیشگیری کنند و سهل انگاری شخصی مانع این مسئله شده است. برای مثال، قربانی (مونث) ۲۱ ساله در حادثه دزدیده شدن موبایلش می گوید:

«همش تقصیر بی عرضگی خودمه. اگر خودم یه ذره هوشیار بودم، این اتفاق نمی افتاد. سهل انگاری کردم و اگر روم رو به این سمت پیاده رو بود، به این راحتی نمی تونست کش بره. آخه هر جور نگاه می کنم، می بینم که خودم مراقب نبودم...»

شخص دیگری، ۲۴ ساله در دزدیده شدن لب تاپش معتقد است:

«خاک بر سرم کنن که اون بی عرضه ها تونستند به این راحتی وسایلمو ازم بگیرند. آخه کدوم آدم عاقلی ساعت ۱۲ نصف شب برمی گرده خونه. فکر می کنم اگر می موندم و صبح می رفتم خونه، هرگز این اتفاق برای من پیش نمی اومد. آره خودمم مقصرم...»

در وجهی دیگر، افراد قربانی شده توانایی فیزیکی خود را عامل مهمی در قربانی شدن قلمداد می کردند و از این حیث معتقد بودن که جثه کوچک، ضعف بدنی و جنسیت آنها در قربانی شدن و سوء استفاده شدن تاثیرگذار بوده است؛ یعنی تصور آن ها این گونه بود که با قدرت سخنوری و جواب دادن، قدرت بدنی زیاد و جثه بزرگتر، یا اگر زن (زنان قربانی شده) نبودند، بی شک می توانستند از این اتفاق پیشگیری کنند و همین فقدان قدرت بدنی تبدیل به عاملی برای سرزنش شخصی شده بود. برای مثال، دانشجوی قربانی ۲۰ ساله می گوید:

«فکر می کنم، اگر می تونستم که کیفم رو یه کم محکم تر به سمت خودم بکشم، می تونستم از دزدیده شدنش جلوگیری کنم. آخه زورم نرسید و خیلی نتونستم کشیده شدن رو تحمل کنم. چون داشتم زمین می خوردم، مجبور شدم ولش کنم، شاید یه مرد بود، نمی تونستن ازش بدزدن...»

فردی که قربانی خشونت جنسی گفتاری شده است، می گوید:

«خوب شد که اون بنده خدا (یه خانم دیگر) سریع دید که اون آقا داره برای من مزاحمت ایجاد می کنه و زود اومد منو از شرش نجات داد. اگه کمر و نبودم، شاید می تونستم دکش کنم. آخه مجبور بودم تا اون ساعت بشینم بیمارستان...»

مواجهه جنون آمیز

برخی از قربانیانی که مورد حمله قرار گرفته بودند، از پیامدها و اثراتی صحبت به میان می آوردند که جنبه پرخاشگرانه و برخورد نورتیک با اجتماع داشته است؛ چنان که حادثه اتفاق افتاده برای آنها اثرات روانشناختی

عمیقی در پی داشته و به ارتباطات و تعاملات اجتماعی آنها لطمه وارد کرده است. به عبارت دیگر، فرد پس قربانی شدن حالتی از مکانیسم دفاعی جابجایی را از خود بروز داده و خشونت و عصبانیت خویش را از شخص مجرم و خطاکار به افراد حاضر در حلقه اجتماعی خود منتقل می‌کرده است یا در بسیاری از مواقع خشونت درونی خویش را بر روی موانع فیزیکی تخلیه نموده و سعی در پرت و شکستن اجسام و اشیا داشته است و حتی در برخی از موارد، به بدن خود نیز آسیب جسمانی غیر عمد وارد نموده است. برای مثال، قربانی مذکور ۲۶ ساله پس از سرقت اتومبیلش می‌گوید:

«به زمین و زمان فحش می‌دادم و به شدت عصبانی شده بودم. خوب کلی پول جمع کرده بودم که تونستم یه پراید بخرم، ولی تو یه چش بهم زدن زدنش. البته اینم بگم ناراحت بودم که چرا من احمق قفل فرمون نزدم. یادمه که پام انقدر محکم زدم به در که ضرب شدیدی دید و مجبور شدم برم عکس بگیرم که ببینم نشکسته باشد...»
قربانی دیگری، ۲۷ ساله بعد از خشونت جنسی گفتاری در پارک می‌گوید:

«خیلی ناراحت شده بودم. بعد از اون داستان که به پیشنهاد دوستی اون مرتیکه جواب رد داده بودم، هر چی از دهنش دراومد گفت و هر فحش زشتی بلد بود بر زبون آورد؛ یعنی چهره واقعیش همین بود. رفتم خونه با چشمای قرمز گریون. تا مادرم پرسید چی شده، بهش پریدم و خیلی خیلی بد جواب دادم و تا سه روز با همه به تندی و پرخاش برخورد می‌کردم. از فکر کردن به اون موضوع و اینکه چجوری اولش نشناختمش، داشتم دیونه می‌شدم...»

در برخی مواقع فرد قربانی شده، خشونت و عصبانیت خود را در موقعیت‌ها و تعاملات اجتماعی دیگر، مانند برخورد با نهادها و مواجهه با ادارات تخلیه می‌نموده است و در اینجا شخص بین اتفاق حادث شده و نهادی که به علت مسئله دیگری به آنجا رجوع کرده، ارتباط برقرار می‌نموده است. برای مثال، یکی از قربانیان بعد از دزدیده شدن کیف پولش به علت عصبانیت، در هنگام رجوع برای حل مشکلی دیگر در دادگاه خطاب به کارمند اداری می‌گوید:

«تو این مملکت خراب شده، هیچی سر جاش نیست. خدا نکنه هیچی با شما سروکار داشته باشه. اونجا که باید کار کنید، نمی‌کنید و اونجام که باید کار مردم رو راه بندازید، همش سنگ میندازید جلوی پای مردم...»

پیامدهای اجتماعی قربانی شدن

از مهمترین آثار اجتماعی - اقتصادی قربانی شدن می‌توان به سرزنش شدن قربانی توسط اطرافیان، تخریب رابطه با اشخاص مهم در زندگی، انزوای اجتماعی، تغییرات منفی در سرمایه اجتماعی، افزایش مصرف مسکن‌ها و مخدرها، هزینه‌های پزشکی و دارویی و از دست دادن سرمایه اقتصادی اشاره نمود. در ادامه به مهمترین مضامین استخراج شده از مصاحبه‌های به عمل آمده با قربانیان به تفصیل اشاره خواهیم کرد.

انگاره انحطاط هنجارهای اجتماعی

یکی از پیامدهای قربانی شدن برای بسیاری از مشارکت‌کنندگان در تحقیق، زوال هنجارها و ارزش‌های اجتماعی مثبت بود؛ بدین صورت که مشارکت‌کنندگان اظهار می‌داشتند که در جامعه دیگر نمی‌توان به کسی اعتماد کرد، زیرا هیچ کس از ارزش‌های مثبت و اصول اخلاقی جامعه پیروی نمی‌کند و ارزش‌های اخلاقی در وجه اجتماعی و شخصی در حال سقوط است. در نگاه کلان این افراد به صورت هر چند موقت و در برخی موارد دائمی، سرمایه اجتماعی خود از جمله اعتماد به دیگران و مشارکت در فعالیت‌های اجتماع محور را به

طور کلی و یا در برخی موارد، روابط اجتماعی را در شبکه‌های درونی و بیرونی ارتباطات از دست داده بودند. این امر به علت سرزنش‌های مداوم اطرافیان، احساس شرم و خجالت، احساسات مخرب روانشناختی و برخی از بیماری‌های روانشناختی همچون افسردگی و... اتفاق افتاده بود و آنها ترجیح می‌دادند که زمان زیادی را در انزوا و خلوت خود سپری کنند. برای مثال، قربانی مونت ۲۶ ساله می‌گوید:

«آدم نمی‌دونه چیکار کنه. خدا خیرشون نده این آدم‌ها رو، چون هیچ اخلاقی ندارند و پیرو هیچی نیستند، میان زندگیتو می‌برن... خوب معلومه. منم نگاهم به جامعه منفی شده و احساس می‌کنم دیگه اخلاق و اسلامی تو جامعه نمونه که کسی پیروی کنه...»

در وجهی دیگر می‌توان گفت بسیاری از مشارکت‌کنندگان تحقیق، وجه فروپاشیدگی ارزش‌های سنتی و هنجارهای مرسوم اجتماعی را مورد تاکید قرار می‌دهند و از این محمل، وضعیت اجتماعی جامعه را به باد انتقاد می‌گیرند. آنها مسئله قربانی شدن را با وضعیت مسائل اجتماعی دیگر همچون بیکاری، فقدان جامعه پذیري مناسب و فقدان نظارت و کنترل مرتبط می‌دانند و معتقدند دلایل مناسبی برای سلب اعتماد در جامعه وجود دارد؛ یعنی به علت وسعت آسیب‌های اجتماعی دیگری که در جامعه وجود دارد، وضعیت قربانی شدن پیش می‌آید و به موازات همه این مسائل، افراد از لحاظ ارزشی هم خودشان به ورطه بی‌احساسی و بی‌اهمیتی کشیده شوند. برای مثال، زهره ۲۱ ساله می‌گوید:

«متأسفانه هیچی سر جاش نیست؛ این همه بیکار تو جامعه هست و این همه آدم که اخلاق و تربیت ندارند. خوب معلومه وقتی این شرایط تو جامعه هست، فردا پس فردا منم به هیچکی تو جامعه اعتماد نمی‌کنم. هر اتفاقی هم بیوفته، سرمو میندازم پایین میرم و خودم درگیر کمک کردن به دیگران نمی‌کنم، چون من این همه داد زدم، ولی کسی به دادم نرسید...»

به عبارت دیگر، افراد از انحطاط ارزشی سخن به میان می‌آورند که علت کاهش ارتباط آنها با جامعه می‌شود. حتی این عقیده ابراز می‌شود که در آینده حضور کمتری را در جامعه و گروه‌های دوستان تجربه نمایند و علت آن را شرایط فعلی اجتماع تلقی می‌نمایند. افراد در اینجا وضعیتی را تجربه می‌کنند که به لحاظ احساسی در هم شکسته شده‌اند و به صورت اختیاری مطرودیت را در اولویت قرار داده‌اند. پس مشارکت خود را در وجوه وسیع‌تری از جامعه باز می‌دارند و خود این مسئله زمینه را برای کاهش سرمایه اجتماعی در جامعه فراهم می‌آورد. برای مثال، دانشجوی ۲۳ ساله بعد از دیدن شدن لب تاپش می‌گوید:

«خیلی اوضاع جامعه بی‌ریخت شده. شما نمی‌تونن تو مترو راحت و ایستی. همه دنبال دزد و دودره بازی‌ان. باید محکم کیفیت رو بچسبی. آنقدرم تو جامعه بی‌اخلاقی زیاد شده که تا نت به یکی می‌خوره، همه فکر می‌کنن می‌خوان ازشون دزدی کنی. آدم داغون می‌شه این همه بی‌اخلاقی رو می‌بینه. همون بهتر که بشینی تو خونت فیلم نگاه کنی و نری بیرون. هم خودت در امانی هم اعصابت راحت. آخه بعد اون ماجرا چون واقعا پول نداشتم به لب تاپ دیگه بخرم، نابود شدم...»

اضمحلال سرمایه اقتصادی

مهمترین و مورد تاکیدترین پیامد قربانی شدن برای قربانیانی که مورد جرم سرقت قرار گرفته بودند، تخریب شدن وضعیت اقتصادی یا به عبارتی از هم پاشیدگی وضعیت مالی آنان بود. قربانیان اظهار می‌کردند که بعد از قربانی شدن به علت اینکه وضعیت اقتصادی شخصی و همچنین وضعیت اقتصادی جامعه نامساعد بوده،

در مضیقه قرار گرفته اند و کارکردهای شخصی و اجتماعی شان دچار اختلال شده و نتوانسته اند مسئولیت ها و امور روزانه خود را به درستی انجام دهند. به عبارتی دیگر، وضعیت اقتصادی آنان به علت شرایط جامعه و ناموزون بودن وضعیت اقتصاد و غیرقابل پیش بینی بودن آن، به شدت بهم ریخته است. برای مثال، علیرضا ۲۰ ساله می گوید:

«بعد از دزدیده شدن لب تاپ، دیگه نمی تونستم یکی دیگه بخرم و بدجور ضربه اقتصادی خوردم، چون لب تاپی که من ۳ تومن خریده بودم، دو ماه پیش قیمتش شده ۷ تومن و هنوزم نخردیم. خوب خیلی از تکالیف و تحقیقای کلاسیم عقب افتاده اند و متأسفانه به تحقیق برای یه کلاسی که نمره خوبی هم تو امتحان کتبی گرفتم، انجام ندادم...».

سمانه ۲۴ ساله بعد از دزدیده شدن کیف پولش می گوید:

«واقعیتش چون حقوق اون ماهم رو تقریباً از دست داده بودم، ناراحت شدم. خوب تا سه ماه بعدش من نتونستم خریدامو بکنم. از طرفی حتی نتونستم تو تولد یکی از دوستانم شرکت کنم...»

در وجهی دیگر پیامد قربانی شدن بسیار وخیم تر بود؛ یعنی از بعد کارکردی، فرد دچار اختلال شده بود. برای مثال، قربانیان سرقت بیشتر با این مسئله گریبان گیر بودند و از آنجایی که وسیله ای که مورد سرقت قرار گرفته بود کارکرد درآمدزایی و اقتصادی داشت، وضعیت برای آنها دشوارتر بوده است. برای مثال، محمد امین ۲۶ ساله، بعد از سرقت خودرو اش که با آن مسافركشی می کرد، می گوید:

«بعدش واقعا زندگی من سخت شد، چون من با ماشینم کار می کردم، حتی مجبور شدم قرض و قوله کنم و زندگیم رو نگه دارم و تا یه مدتی که کار پیدا کردم، واقعا سخت بود و فکر می کردم همه چی رو از دست دادم...»
در نهایت هزینه های مشاوره روانشناختی و روانپزشکی برای قربانیان مسئله ساز بوده است؛ چنان که بسیاری از قربانیان اظهار می داشتند که بعد از حادثه مجبور شده اند، برای هزینه های فیزیکی و جسمانی و تهیه برخی داروهای ضد افسردگی تا ماه های متمادی هزینه های گزافی متحمل شوند.

راهبردهای مواجهه با قربانی شدن

در مورد چگونگی مواجهه با جرم حادثه شده، قربانیان طیف متفاوتی از واکنش ها و راهبردها شامل مراجعه به نهادهای انتظامی، رجوع به خانواده، طرح مسئله در گروه دوستان، در خود نگاه داشتن، مشاوره روانشناختی و دور شدن از مسئله را به کار برده اند. ۹ نفر از قربانیان که عمدتاً قربانی سرقت شده بودند جهت پیگیری قضایی به پلیس مراجعه کرده بودند. این نوع مواجهه بیشتر در مورد سرقت موبایل انجام شده بود و قربانیان اظهار داشتند که به امید پیدا شدن وسایل مورد نظر از طریق پیگیری شماره سریال و... بوده اند که تنها یک مورد (سرقت موبایل) قادر به بازپس گیری اموال خود شده بود. در برخی موارد این گونه مواجهه را اتلاف وقت می دانستند؛ چنان که قربانی مونث، ۲۵ ساله درباره پیگیری از مراجع انتظامی می گوید:

«دنبال کردن این گونه مسائل در نهادهای انتظامی و قضایی بسیار دشوار است و همان بهتر که برآش وقتی نگذاریم، زیرا به نظرم هم ضعیفن و هم برایشان اهمیتی ندارد که تو وسیله ات رو دزدیدن...»

همچنین عمده پاسخگویان مسئله حادثه شده را برای خانواده خود بازگو کرده بودند. ۳ نفر از قربانیان به روانپزشک و مشاور مراجعه و جلسات روان درمانی را گذرانده و داروهای رانیز مصرف کرده بودند. برخی از افراد جهت پیگیری مسئله، به نهادهای مرتبط که مسئول پیگیری روند قضایی بودند، مراجعه نمودند، اما در

برخی موارد همین افراد یا به تبع آن قربانیان دیگری که روند قضایی را طی نکرده بودند، به صرف مطرح کردن پدیده قربانی شدن در گروه‌های دوستان و همچنین در داخل خانواده به منظور حمایت‌های مالی و اقتصادی جهت تهیه و خرید مجدد وسایل دزدیده شده بسنده می‌کردند. برای مثال، قربانی ۲۵ ساله مونث می‌گوید: «خیلی پیگیرش نشدم، چون بعد اینکه ماجرا رو برای خانوادم تعریف کردم، گفتن خدا روشکر سالمی و... کیفم هم مبلغ زیادی توش نبود».

در برخی افراد نیز، فرآیند قربانی شدن به این جهت که عمومی نشود و نگرانی از جهت آبرو و... وجود داشته و فرد قربانی در درون خودش مسئله را حل و فصل کرده یا آن را سرکوب نموده است؛ یعنی قربانی جرم اتفاق افتاده را به صورت شخصی در خود نگاه داشته و کسی را در این فرآیند دخالت نداده یا در برخی موارد مسئله برای فرد قربانی اهمیت چندانی نداشته و ترجیح داده که از مسئله جرم و یادآوری آن به دور باشد. اما در برخی موارد که فرد قربانی از لحاظ اقتصادی یا عاطفی شکست بیشتری را تجربه نموده است، مراجعه به روانشناس نیز دیده شد. برای مثال، یک قربانی مذکر ۲۷ ساله می‌گوید:

«توونستم ماجرا رو برا کسی تعریف کنم، چون احساس می‌کردم تحقیر می‌شم و دوستانم مسخره ام می‌کنن. برای همین با پس اندازم رفتم یه لب تاپ دیگه گرفتم...»



شکل ۲: راهبردهای مواجهه با پدیده قربانی شدن

همچنین، قربانی مونث ۲۲ ساله می گوید:

«ترسیدم به خانواده ام بگم. بابام آدم زودرنجیه و زود عصبانی می شه. هرچند که حالم خیلی مساعد نبود، ولی بعد از دو جلسه ای که با مشاور دانشگاه داشتم، کم کم قضیه یادم رفت...»

نتیجه گیری و پیشنهادها

نتایج تحقیق نشان داد که قربانی شدن در مقابل جرم سرقت در میان دانشجویان بیشتر از هرگونه جرم دیگری رواج دارد؛ یعنی به صورت کلی دانشجویان قربانی جرائمی مثل سرقت موبایل، ماشین، پول و... می شوند. همچنین بیشتر قربانیان در ساعات پایانی روز و شب هنگام قربانی جرم می شوند؛ چنان که کمترین بزه دیدگی در ساعات اولیه صبح و بیشترین جرائم از ساعات ۱۲ بعد از ظهر تا ۱۲ شب اتفاق افتاده است. از آنجا که در کشور ما مراکز اداری و امنیتی بعد از ظهرها تا ساعات مشخصی فعال هستند و بعد از ساعت ۱۶ فعالیت و نظارت آنها به کمترین سطح ممکن می رسد، می توان گفت که بیشترین میزان جرم در ساعاتی از روز اتفاق می افتد که کمترین میزان کنترل و نظارت اعمال می شود. همان طور که شاو و مک کی یادآور می شوند اجرای ضعیف کنترل اجتماعی رسمی یا غیر رسمی، روند جرم را تسهیل می بخشد (Uttenbogard 2013: 11). آن چنان که نتایج تحقیقات مهدنژاد و پرهیز (۱۳۹۶) نشان داد بیشتر جرائم منطقه ۱۲ شهر تهران در سطح کوچه و خیابان متراکم شده است. نتایج این پژوهش نیز نشان می دهد که بیشتر قربانیان در خیابان های سطح شهر تهران قربانی جرم شده اند که این نشان دهنده سطح پایین نظارت و کنترل و ناامنی محیط شهر تهران است.

همچنین، بیشتر دانشجویان قربانی در مقاطع سنی پایین (۱۸-۲۱ سال) و تحصیلی پایین (کارشناسی بیشتر از ارشد و دکتری) بوده اند. لذا می توان گفت که افزایش آگاهی و تجربه و آشنایی با محیط های بیرون، متغیر مهمی در احتمال کاهش بزه دیدگی می باشد. بر اساس رویکرد آسیب پذیری، شرایط فیزیکی در افراد در کنار شرایط اجتماعی و زمینه ای دیگر نظیر سن، جنسیت، تحصیلات و طبقه اجتماعی در آسیب پذیری افراد موثر است و می تواند آنان را به اهداف سهل الوصول بزه کاران تبدیل نماید. برای مثال، افراد سالخورده بیشتر در معرض قربانی شدن هستند. در این دیدگاه، توانایی مالی عامل مهمی در کاهش قربانی شدن محسوب می شود، زیرا افراد متمول و تحصیل کرده راه های بهتر و مناسب تر برای محافظت از خود برمی گزینند و بدین جهت از میزان بزه دیدگی آنان کاسته می شود (Skogan 1987: 140).

چگونگی مواجهه با وضعیت قربانی شدن بستگی زیادی به وضعیت شخصی فرد، ویژگی های شخصیتی و اجتماعی، مکان و زمان قربانی شدن و مواردی از این قبیل دارد. در تحقیق حاضر بیشتر قربانیان اظهار داشتند که ترجیح می دهند به شیوه ای شخصی با قضیه برخورد کنند؛ یعنی راهبردهای مواجهه شخصی و حل کردن موضوع از طریق مهارت های حل مسئله فردی را بر مواجهه های ساختاری و مراجعه به نهادها ترجیح می دهند. همان گونه که صادقی فسائی و حسینی (۱۳۹۰) در تایید این موضوع بیان می دارند

قربانیان زن راهکارهای فردی و موقعیتی را به عنوان راهبردهای مواجهه با قربانی شدن بر راهبردهای ساختاری به علت عدم حمایت های ساختی و اجتماعی ترجیح می دهند.

بزه دیدگی می تواند پیامدهای وسیعی را برای قربانیان از جمله تهدید سلامت روانی و اجتماعی، تهدید امنیت در ابعاد مختلف مالی، جانی و اجتماعی داشته باشد. در نقطه مقابل، اگر حمایت اجتماعی و حفاظت های

نهادی و خانوادگی برای افراد قربانی میسر نباشد، وخامت مسئله دو چندان خواهد شد. مطابق نتایج تحقیق حاضر، یک نوع ذهنیت برای افراد در حالت قربانی شدن روی می دهد که دیگر نمی توانند به شبکه اجتماعی خود اعتماد داشته باشند و احساس می کنند که جامعه در یک سقوط ارزشی فرو رفته و به سختی قابل احیا شدن است- حتی یک نوع تنفر و انزجار در درون قربانیان نسبت به اجتماع شکل می گیرد که شاید خسران جبران ناپذیری از لحاظ اجتماعی، فردی و روانی به بار بیاورد.

یکی دیگر از پیامدهای تجربه قربانی شدن برای افراد، بروز یاس و ناامیدی و تجربه احساسات روانشناختی ناخوشایند بود که افراد را به حالتی سوق می داد که عدم کارایی و فقدان کارکرد اجتماعی را در درون خود احساس می کردند؛ به طوری که نوعی در ماندگی آموخته شده را تجربه کرده و این حالت به علت عدم حفاظت شخصی از خویشتن بوده است. علاوه بر این نوع در ماندگی، قربانیان با احساسات مختلفی همچون: احساس گناه، احساس بی لیاقتی، ضعیف بودن و سرزنش خود تا مدت زمان زیادی بعد از تجربه قربانی شدن دست و پنجه نرم می کردند. البته چون جامعه آماری این تحقیق، بیشتر سرعت را تجربه کرده اند، این حالت سرزنش خود نمی تواند وجه خطرناکی به خود بگیرد، اما در آسیب های جدی همچون تجاوز و... قربانی احتمال دارد هزینه خیلی گزافی را شامل خودزنی و حتی خودکشی را بپردازد.

از دیگر پیامدهای قربانی شدن، مواجهه غیر متعارف با تجربه حاصل شده بود؛ به صورتی که فرد قربانی از شدت عصبانیت، واکنش های نابهنجاری نسبت به خود، اطرافیان و محیط فیزیکی و اجتماعی بروز می داد. درهم ریختگی مالی و فروپاشیدن اقتصادی (از دست دادن سرمایه) از دیگر مضامین به دست آمده از تجارب قربانیان بود.

همچنین بر اساس مصاحبه های انجام شده، نوع رفتار و کنش اجتماعی قربانیان نظیر بی دقتی، سهل انگاری و بی احتیاطی، زمینه های «جلب توجه» و «وسوسه» مجرمان را برانگیخته و آنان را نسبت به اعمال مجرمانه «ترغیب» کرده و «فرصت» بزهکاری را فراهم نموده بود که این مسئله معمولاً در کنار محیط های بی دفاع و عدم نظارت و کنترل اجتماعی، زمینه افزایش نرخ بزه دیدگی را ایجاد می کند و در قالب نظریات مربوط به سبک زندگی و مکان قابل تبیین است.

در پایان می توان گفت که تجربه قربانی شدن، علاوه بر آن که بر سلامت جسمی، روحی، روانی و ذهنی افراد اثرات نامطلوبی باقی می گذارد، گاهی دامن گیر سایر افراد خانواده هم می شود و آنان را نیز به قربانیان غیر مستقیم جرم تبدیل می کند؛ چنان که در دراز مدت باعث افزایش ترس از جرم و نگرانی از قربانی شدن در دیگران می شود و زندگی آنان را در هاله ای از ترس و تردید فرو می برد.

به منظور فهم بهتر پیامدهای قربانی شدن در فرآیند وقوع جرم باید این واقعت را پذیرفت که جرم و قربانی شدن می تواند برای هر شخصی صرف نظر از احتیاط و انجام امور لازم برای پیشگیری در هر زمان و مکانی اتفاقی بیافتد. لذا در سطوح خانوادگی و اجتماعی باید از سرزنش قربانیان پرهیز شود، زیرا تحقیقات (Walklate, 2004) نشان داده است که این امر می تواند آثار مخرب ماندگار روانی و اجتماعی بر آنها برجای بگذارد. همچنین به منظور کمک به قربانیان که اعتماد خود را به جامعه دوباره به دست آورند و همچنین به ارزشمندی خویشتن پی ببرند، لازم است تمام افرادی که با قربانیان در تماس اند، نکات لازم را رعایت نمایند و حتی آموزش داده شوند تا حمایت های مادی و عاطفی اجتماعی را ارائه دهند.

- با توجه به مطالب فوق می توان موارد زیر را به عنوان پیشنهادات پژوهش مطرح کرد:
۱. در بسیاری از کشورها، «مرکز ملی پیمایش قربانی شناسی» وجود دارد. پیشنهاد می شود در دانشگاه علامه طباطبائی نیز - با همکاری سازمان های ذیربط مانند قوه قضاییه و نیروی انتظامی - مرکز پیمایش ملی قربانی شناسی یا بزه دیده شناسی تاسیس شود. هدف این مرکز، رصد ابعاد کمی و کیفی قربانیان جرائم و کاهش میزان رخداد جرائم در سطح کشور خواهد بود.
 ۲. پیشنهاد می شود تا بر اساس تفاوت های پاسخگویان مانند تفاوت های جنسیتی، پژوهش های بیشتری در سطح دانشگاه علامه و سایر مراکز علمی به انجام برسد.
 ۳. با توجه به پیامدهای عدیده روانی، اجتماعی، اقتصادی و... بزه دیدگی، پیشنهاد می شود برای جبران خسارات و آلام احتمالی افرادی که تجربه قربانی شدن دارند از سوی دانشگاه حمایت های حقوقی، روان شناختی و مددکاری اجتماعی بیشتری صورت گیرد. قربانی شناسی یا بزه دیده شناسی بالینی با هدف جبران خسارات و رفع آلام بزه دیدگان و ارائه حمایت های اجتماعی، روانی و اقتصادی به دانشجویان بزه دیده در این راستا می تواند مورد عنایت قرار گیرد.



منابع

- بزرگوار، علیرضا و تمجدی، زهرا. (۱۳۹۶). نظریه‌ها و روش‌های تحلیل فضایی جرائم شهری. انتشارات آراد کتاب
- زنگی آبادی، علی و رحیمی، نادر حسین. (۱۳۸۹). «تحلیل فضایی جرم در شهرکرج (با استفاده از GIS)». مجله مطالعات حقوق خصوصی. دوره ۴۰، شماره ۲.
- زینالی، حمزه. (۱۳۸۳). «اثرات فقدان حمایت کیفری مناسب از زنان بر بزه دیدگی آن‌ها». فصلنامه رفاه اجتماعی. دوره ۳، شماره ۱۳.
- شمس الدین، علی و جمینی، داوود. (۱۳۹۶). «واکاوی فضایی جرم در استان‌های ایران با تأکید بر شاخص‌های سرقت». مجله مهندسی جغرافیایی سرزمین. دوره ۱، شماره ۲.
- صادقی فسائی، سهیلا. (۱۳۹۰). «بررسی عوامل موثر بر بزه دیدگی زنان شهر تهران». فصلنامه زن در توسعه و سیاست. دوره ۹، شماره یک.
- فیروزی، گلناز. (۱۳۸۸). «حمایت از اطفال بزه دیده خشونت خانوادگی در قوانین ماهوی ایران». فصلنامه مطالعات پیشگیری از جرم. سال چهارم، شماره دوازدهم.
- مالجو، محسن. (۱۳۸۹). «تجاوز به محارم: زمینه‌ها، استراتژی‌های متجاوز و واکنش‌های بزه دیده». فصلنامه رفاه اجتماعی. سال نهم، شماره ۳۴.
- مهدنژاد، حافظ و پرهیز، فریاد. (۱۳۹۶). «تبیین خوشه‌ای شدن جرم در منطقه ۱۲ شهر تهران بر اساس نظریه نابسامانی اجتماعی». فصلنامه انتظام اجتماعی. سال نهم، شماره چهارم
- نصیری، اسماعیل؛ احمدی، علی؛ رحمانی، محمد حسن و کماسی، حسین. (۱۳۹۶). «تحلیل جغرافیایی- فضایی جرم و مکان‌های جرم خیز با استفاده از سیستم اطلاعات جغرافیایی GIS (مطالعه موردی: بزه سرقت در شهر قزوین)». مجله مهندسی جغرافیایی سرزمین. دوره ۱، شماره ۲.
- Maskaly, Jon and Boggess, Lyndsay N. (2014). **Broken Windows Theory. The Encyclopedia of Theoretical Criminology.** John Wiley & Sons, Ltd
- Jenny, Korkodeilou. (2017). “**No place to hide’ Stalking victimization and its psycho-social effects**”. International Review of Victimology, Volume: 23 issue: 1, page(s): 17-32.
- Jung Jin Choi, Diane L. Green, Stephen A. Kapp. (2010). “**Victimization, Victims’ Needs, and Empowerment**”. International Review of Victimology, Volume: 17, issue: 3, page(s): 267-290.
- Matthew Cawvey, Matthew Hayes, Damarys Canache, Jeffery, J. Mondak. (2018). “**Personality and victimization in the Americas, International Review of Victimology, Volume: 24 issue: 1, page(s): 123-139.**
- Siegel, Larry. (2017). **Criminology: Theories, Patterns, and Typologies (MindTap Course List).**Thamson-Wadsworth
- Skogan G. Wesley. (1987). “**The Impact of Victimization on Fear**”. Crime & Delinquency. Vol 33, Issue 1

- Tinkara Pavšič Mrevlje, Johanna Nivala. (2016). “**Victimisation of the elderly in the municipalities of Ljubljana and Uppsala**”. International Review of Victimology, Volume: 23 issue: 1, page(s): 33-46
- Tyler, Kimberly. Danr. Hoyt and Les Whitbeck. (2000). “**The Effects of Early Sexual Abuse on Later Sexual Victimization Among Female Homeless and Runaway Adolescents**”.
- Uittenbogaard, Adriaan Cornelis. (2013). “**Clusters of Urban Crime and Safety in Transport Nodes**”. KTH Royal Institute of Technology School of Architecture and the Build Environment Dept of Real Estate and Construction Management, Stockholm 2013.
- Walklate, S. (2004). “**Justice for all in the 21st century: the political context of the policy focus on victims**”. In *E. Capes Reconciling Rights in Criminal Justice: Analysing the Tension between Victims and Defendants*. London: Legal Action
- Walsh, Anthony and Ellis, Lee. (2007). **Criminology: an interdisciplinary approach**. Sage publication
- Willem de Lint, Marinella Marmo, Andrew Groves, Adam Pocrnic. (2017). “**Crime victims’ self-medication**”. International Review of Victimology, Volume: 23, issue: 2, page(s): 159-177.

